

عزادار حقیقی

لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ : خداوند هیچ عملی را جز با شناخت نپذیرد (امام صادق علیه السلام)

ان شاء الله که بتوانیم با مطالعه این نوشتار به معرفت و اعمال خود عمق ببخشیم و از خطرات سطحی نگری به آموزه های دین در امان بمانیم.

آفات اعمال سه چیز است: (أ) عدم معرفت کافی در مورد عمل مورد نظر، (ب) ضعف و ناتوانی مجری عمل (ج) تبدیل شدن عمل به یک عادت

عزاداری دارای مراتبی است به تناسب آن مراتب، درجات عزاداران نیز متفاوت خواهد بود و هر مرتبه از عزاداری دارای خیر و ثوابی مخصوص به خود است.

مرتبه اول عزاداری

در این مرتبه، عزادار در قلب خود از مصیبت وارده به سید الشهداء (ع) غمگین و ناراضی است؛ بدون اینکه غم و ناراحتی خود را بروز دهد. این مرتبه کمترین درجه عزاداری است.

مرتبه دوم عزاداری

در این مرتبه، عزادار در درون خود با حسّ غریبی توأم با انس و الفت و کشش و نیاز روبروست که بین او و امام حسین (ع) پیوند ویژه ای برقرار می کند به طوری که او را وادار به گریه و عزاداری برای آن حضرت می کند.

مرتبه سوم عزاداری

در این مرتبه، عزادار تنفر و اعتراض خود را نسبت به عاملین این مصیبت و جنایت در حق سید الشهداء (ع) و یارانش و به طور کلی همه اهل البیت (ع) اظهار می کند و بر آنها لعن و نفرین نثار می کند.

علت ترقی عزادار از مرتبه دوم به مرتبه سوم، شناخت بیشتر سید الشهداء (ع) و اعتقاد بالاتر و بیشتر به مقام آن حضرت و آیین اوست اما عزاداری در این سه مرتبه غالباً در صبح عواطف و احساسات است و عزادار به مراتب بالاتر راه پیدا نکرده است.

از آفات عزاداری در مجالس مذهبی می توان مواردی را برشمرد: عدم معرفت و شناخت از عزاداری؛ محور قرار گرفتن مسائل عاطفی و ظواهر مانند گریه کردن؛ تبدیل عزاداری به یک سنت تکراری و عادت مذهبی؛ پُر توقع شدن مجریان و شرکت کنندگان در عزاداری نسبت به خدا و اهل البیت (ع)؛ غفلت از حقّ الله و حقّ النَّاس؛ سنت سازی های غلط به اسم امام حسین (ع) با این توجیه که چون در راه حسین و به خاطر اوست پس ثواب دارد و موجب خشنودی آن حضرت است.

تذکر: کار در دستگاه اهل بیت و امام حسین (ع) مجوزی برای هر نوع کم کاری در سایر وظایف انسان نمی باشد و آدمی را از ملامت و توبیخ بخاطر کوتاهی در سایر واجبات معاف نمی کند. [مثلاً افراد خیری هستند که از پرداخت خمس سالانه اموال خود اجتناب می کنند ولی در ماه محرم به مقدار فراوان انفاق می کنند حال آنکه نمی دانند در مالی که خمس آن داده نشده نمی شود تصرف کرد یا افرادی که بین ساعت کاری خود در اداره و بدون اجازه مدیران رده بالا در مراسم مذهبی شرکت می کنند].

بدیهی است که وقتی گریه کردن و گریاندن علت و هدف اصلی عزاداری شود، شیطان و نفس وسوسه گر آدمی را به دروغ پردازی و تحریف و نیز اختراع حرکات، روشها و اشعار ناپسند و غیر منطبق با حقیقت دین و قیام امام حسین (ع) می کشانند و نام آن را می گذارند زبان حال، [مثلاً مداح مجلس عزاداری میگوید گمان کنم که حسین، ابوالفضل، زینب یا سکینه در این لحظه چنین گفت !!!] در این صورت است که دیگر هیچ خطری از سوی مجالس عزاداری حسینی، دشمنان اسلام و امام زمان (عج) را تهدید نخواهد کرد.

بصیرت: نمونه بسیار شاخص و زیبا برپایی مجالس سوگواری حقیقی در تاسوعا و عاشورای سال 1357 شمسی است که نقش این عزاداری ها در سقوط طاغوت ایران و سرنگونی رژیم پهلوی بر هیچ کس پوشیده نیست و در دوران دفاع مقدس، کربلای ایران را رقم زد.

دسته ای از شیعیان و محبتین ساده دل بعلت نشناختن بُعدی غیر از جنبه های عاطفی برای حماسه حسینی و عدم اطلاع درست از تاریخ اسلام و هدف قیام سید الشهداء (ع) و نیز فلسفه عزاداری به عزاداری به عنوان یک رسم و سنت رسیده از پدران خود نگاه می کنند، در نتیجه دچار لغزش هایی می گردند. دسته ای دیگر نیز از این فرصت استفاده کرده و مجالس عزاداری را تبدیل به محلی برای کسب درآمدهای میلیونی می کنند.

تلنگر: آیا هدف از دور هم جمع شدن در مجالس عزاداری حسینی شناخت خود، امام زمان و شمر و یزیدیان زمان است یا بیان دکلمه هایی همچون «نوجوان اکبر من»، «زینب مضطرب، الوداع الوداع» و شبیه به آن جهت گرم کردن مجالس عزاداری حسینی یا اموری همچون بر پا کردن دیگ های غذا، علامت ها، وسایل صوتی و تصویری غول پیکر، افزایش ساعت عزاداری و جمعیت تماشاچی، گردش در کوچه ها و خیابانها در اوقات اقامه نماز و استراحت مردم؟! آیا عامل اصلی قیام سید الشهداء (ع) احیای دین خدا و مبارزه با بدعت ها و انحرافات حاکم بر جامعه اسلامی نبود؟!

مرتبۀ چهارم عزاداری

عزاداری در این مرتبه، وسیله ای است برای احیا و حفظ ارزش های مقدس که اهل بیت (ع) بخاطر آنها به شهادت رسیدند. این مرتبه از عزاداری از دروغ، حرام، تحریف و اختلافات به دور است و مردم با شرکت در این مجالس بیش از پیش با دین و وظایف خود آشنا می شوند.

در این مرتبه گریه کردن و ابراز احساسات و عواطف، دیگر هدف نیست بلکه وسیله ای است بسیار مهم جهت زنده نگه داشتن پیام عاشورا برای نسل امروز. گریه عزادار در این مرتبه به تبعیت از گریه های حضرت زهرا (س)، گریه ای سیاسی و جهت دار است برای بسیج ملت ها و یکپارچه نمودن آنها و گریه بر شهید، زنده نگه داشتن نهضت است. این نهضت سید الشهداء همانند گلی است که با گریه بر آن، دائماً آبیاری می شود.

مرتبۀ پنجم عزاداری

در این مرتبه، هدف حرکت برای ظهور و خدمت به امام زمان (عج) جهت برداشتن موانع ظهور است؛ در غیر این صورت عزاداری بیک دروغ بزرگ بلکه یک نفاق عظیم خواهد بود! اینجاست که عزادار واقعی پی به این حقیقت می برد که در بسیاری از مجالس عزاداری مظلوم تر از امام زمان (عج) وجود ندارد.

در این مرتبه، این سوال و دغدغه اساسی وجود دارد که چرا پس از شهادت امام حسین (ع)، شیعیان درس عبرت لازم را از عاشورا نگرفتند؟ چرا از زمان غیبت تاکنون این همه عزاداری و سوگواری و بزرگداشت نتوانسته است وفاداری و همدلی لازم را در شیعیان برای فراهم کردن ظهور منجی بشریت و منتقم اصلی امام حسین و سایر ائمه (ع) ایجاد کند؟

در مرتبه پنجم عزاداری گریه از روی عاطفه نیست بلکه از روی معرفت است و چنین گریه ای در دل گریه کننده، توان او را بالا می برد و بر قوای نفسانی وجودش غلبه می کند و راه تبعیت از امام حسین (ع) برای او باز می شود و با این تبعیت به مقام «منا أهل البیت» - از اهل البیت شدن - می رسد.

آثار گریه بر مصیبت اهل البیت (ع)

گریه نقش بسیار بالایی در غلبه بر سختی ها و ایجاد ظرافتها و لطافتها دارد آنگونه که می تواند عواطف، محبت، قدرت و سرعت سیر حرکت عزادار به سوی هدف خلقت او و نیز کمالات لایق او را به طرز شگفت انگیزی افزایش دهد. هر چه معرفت به مقام الهی اهل البیت (ع) و محبت و مودت به ایشان بیشتر باشد، گریه بر مصائب ایشان، جانسوزتر و دردناک تر می شود.

گریه از آن جهت که کار دل است و با حریم دل سروکار دارد، بر روی همه امور قلبی تاثیر گذار است. عمل گریه در دل یک عمل دو سویه است. گریه هم بر ارزشها و هم بر ضد ارزشها اثر می گذارد؛ گریه هم با تقوا که محلش در قلب است کار دارد و هم با فجور و معصیت ها. گریه هم بر فطرت اثر می گذارد و هم بر طبیعت؛ گریه عزادار حقیقی فطرت را تقویت میکند و طبیعت و بُعد حیوانی او را تضعیف می کند. شجاعت او را زیاد و ترس او را کم می کند. سخاوت و کرم او را تقویت، و بخل او را تضعیف می کند. گریه محبت و مودت نسبت به اهل البیت (ع) را افزایش می دهد و احساس مسئولیت نسبت به آنها را ایجاد و تقویت می کند. از سوی دیگر تنفر و برائت از دشمنان آنها را بالا می برد و انسان را از فرهنگ و منش آنها دور می سازد. آری گریه همراه با معرفت، غیر سوز و غیرت ساز است.

تخلیص و اقتباس از کتاب «عزادار حقیقی، مراتب پنجگانه سیر و سلوک عزادار» تالیف حجت الاسلام و المسلمین محمد شجاعی (دامت برکاته)؛ چاپ

اول؛ نشر محیی؛ زمستان 1383